

افلاطون می گوید: «... کسانی که خودشان را از سیاست دور نگه میدارند توسط احمق ها اداره می شوند.»

علاقمندان رویدادها و جریان های نزدیک به یک قرن اخیر کشور، ممکن سه بحث قبلی مطرح شده - ما (تنی چند از جوانان تشنه دریافت حقیقت و واقعیت های رویدادهای نیم قرن اخیر کشور) را در فیسبوک و سایت های خراسان زمین و گفتمان، از نظر گذرانده باشند. هنوز جای گفتمان، واکاوی و ارزیابی در باره آن بحث ها باقیست و در فرصت دیگر به ادامه واکاوی آنها، خواهیم پرداخت. بحث کنونی و چهارمی خویش را زیر نام «**جریان شعله جاوید**» دنبال می کنیم. از اینکه در بحث های قبلی آگاهان امور، آنچه لازم به معلومات و آگاهی دهی بود، ما را یاری و همکاری نکردند. خواستیم به شیوه دیگر، گرد آورده های خویش را (در باره ی جریان مشهور به شعله ی جاوید، پس منظر و پیش منظر آن)، با خواننده گان گران مایه مطرح سازیم و همزمان محترمانه خواهشمندیم، شخصیت های واقف به مسائل، نظریات تعدیل و تکمیلی خویش را در مورد موضوعات گرد آورده شده که ارائه می گردد، از ما دریغ نه فرمایند.

اسناد و مدارک تاریخی، این را به دست می دهد، تحت تاثیر تحولات و دگرگونی های جهانی و منطقه، علیرغم سرکوب خونین، به غل زنجیر کشیدن و کشتار بی رحمانه ی مشروطه خواهان و تداوم نهضت های میهنی در کشور و چند دسته گی و تضاد منافع در درون خاندان سلطنتی و برای کوتاه ساختن دست برخی از اعضای خاندان پادشاهی از صدارت، کابینه و پارلمان، جناح حاکم خاندان سلطنتی، دست به مانور تاکتیکی موقت زد و یک دوره دموکراسی فرمایشی را به نمایش گذاشت، تا از این طریق با یک «تیر» چند «فاخته» شکار کرده باشد. به این ترتیب از یک سو جهان را فریفت - مردم کشور را گول زد، و از جانبی خواست، حریفان درون خاندان (از جمله محمد داود) را به انزوا کشاند. از این بابت، قانونی اساسی را بعد طی مراحل به توشیح محمد ظاهرشاه - پادشاه افغانستان رساند. در این قانون مصونیت عام و تام شاه - منحصی اختیاردار دولت، مردم کشور و سایه خدا در زمین افغانستان شناخته شد، در ضمن زمینه ایجاد سازمانها، احزاب سیاسی و آزادی نسبی بیان و مطبوعات را نوید داد. این دوره (1343 - 1352 خ) را به نام دوره ی قانون اساسی یا «دهه دموکراسی شاهی» نام گذاشتند.

با استفاده از مفاد قانون مذکور، هسته های از حلقات، دستجات و نهادهای سیاسی با گرایشهای عمیقاً متفاوت و متضاد از چپ، راست و میانه، عمدتاً متأثر از تحولات جهان، منطقه و به دنبال فراز و فرود و دگرگون های مثبت و منفی سالهای قبل کشور، یکی پی دیگر ایجاد گردید، نشراتی چند نیز به نشر رسید. می بایست همزمان با توشیح قانون اساسی و مطابق مفاد آن، قانون احزاب سیاسی توسط محمد ظاهر شاه، توشیح می گردید مگر چنین نشد، این امر تاثیرات بد و نامیمونی را به دنبال داشت.

یکی از این تشکل ها «سازمان جوانان مترقی» بود، که به تاریخ سوم عقرب سال 1344 خورشیدی از ترکیب محفلهای دکتر عبدالرحیم محمودی، محمد اکرم یاری، ... باختری (؟) و عده ی از نخبگان دیگر (؟)، عمدتاً در ضدیت با «جمعیت دموکراتیک خلق» (بعدها حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب وطن) و تفکرات حزب کمونیست شوروی زمان حاکمیت - ن. س. خروشچف و به پیروی از اندیشه های حزب کمونیست جمهوری خلق چین به رهبری مائوتسه تونگ، به رهبری محمد اکرم یاری، ایجاد گردید. چندی بعد محفل عبدالاله رستاخیز (محفل هرات) و محفل انجنیر محمد عثمان (استاد ریاضی) به آن پیوست. این سازمان مانند دیگر تشکل های سیاسی آن زمان - فعالیتش را آغاز نمود و از جوزا (1347 تا سرطان 1348 خ) هفته نامه ی را به نام «شعله جاوید» (ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین) ارگان نشراتی آن سازمان (سازمان جوانان مترقی)، به امتیاز و مدیریت داکتر عبدالرحیم محمودی به نشر رسانید. از همین بابت سازمان مذکور، بنام شعله جاوید - دقیق تراش «جریان شعله جاوید» شناخته شد. هفته نامه ی یاد شده، با نشر یازده شماره، از طرف حکومت وقت توقیف گردید.

«سازمان جوانان مترقی افغانستان»، به تجارب انقلابات جهانی خاصاً جهان سومی بها می داد و به ویژه به الگوی تجارب انقلاب خلق چین تاکید می ورزید و آن را گره گشایی پیروزی انقلاب برای افغانستان می دانست. در ضمن حاکمیت شوراهای (اتحاد جماهیر شوروی) را حاکمیت سوسیال امپریالیستی و دارایی اندیشه رویونیستی تلقی می کرد و علیه آن جداً به مبارزه برخاسته بود. بعدتر نیز در تقابل با «سازمان جوانان مسلمان» (اخوان المسلمین) قرار گرفت و برخوردهای خیابانی و رویاروی میان آنها سبب شد، تا یکی از کادر های نامدار «سازمان جوانان مترقی» به نام «سیدال سخندان»، در جریان مظاهره و میتینگ در صحن دانشگاه

کابل در 29 جوزای 1351 خ منحيث پيشمرگ اين نبردهای خيابانی جان باخت.
با زندانی شدن بخشی از رهبری (سازمان جوانان مترقی افغانستان) اين سازمان در آغار به سوی تشدت فکری گرايد و در سال
1349 خ تتي چند از رهبران زندانی و کدرهای آن از جمله انجنيرمحمد عثمان مشهور (به لندي)، اسحاق مضطرب باختري (
نگارگر)، عين علی بنياد، حسين طغیان ...) با نشر « پس منظر تاریخی »، از بدنه‌ی اصلی سازمان مذکور انشعاب کرد و به « گروه
پس منظر » معروف گردید.
ادامه دارد.

ایمیل آدرس - فرزند مجید پور: majidpoor2@gmail.com